

Part I | Reading Comprehension

Who is a scientist?

چه کسی دانشمند است؟

ساین تیست ایز هو

The world around us is full of amazing things. Knowing this beautiful world is very interesting for humans.

هیومن فُر اینترستینگ وری ایز ورلد بیوتی فول ذیس نواینگ تینگز امی زینگ آو فول ایز آس اراوند ورلد ذِ دنیای اطراف ما پر از چیزهای شگفت‌انگیز است. شناختن این دنیای زیبا برای بشر خیلی جالب است.

One group of people who study the world are scientists. A scientist studies nature, animals, or people.

پی پل آر انیمالز نیچر سِتادی ز ساین تیست ایز ساین تیستس آر ورلد ذِ سِتادی هو پی پل آو گروپ وان یک گروه از مردم که دنیا را مطالعه می‌کنند دانشمندان هستند. یک دانشمند طبیعت، حیوانات یا مردم را مطالعه می‌کند.

Scientists work hard and do research to solve problems, find facts or invent new things.

تینگز نیو اینونت آر فکتس فایند پرابلمز سالو تو ری سرچ دو آند هارد وُرک ساین تیستز دانشمندان سخت می‌کوشند و تحقیق می‌کنند تا مشکلات را حل کنند، حقایق را پیدا کنند یا چیزهای جدید اختراع کنند.

Scientists learn about the world by observing and experimenting.

اکس پری مِنت اینگ آند آبروینگ بای وُرلد ذِ اِباوت لِرُن ساین تیستز دانشمندان با مشاهده و آزمایش در مورد دنیا یاد می‌گیرند. (آگاه می‌شوند)

There are different types of scientists. Some of them study plants, earth, seas, or animals.

انیمالز آر سی ز ارث پلنتس سِتادی ذِم آو سام ساین تیستس آو تایپس دیفرنِت آر ذِر دانشمندان مختلفی وجود دارند. بعضی از آنها گیاهان، زمین، دریاها یا حیوانات را مطالعه می‌کنند.

Others study people and how they behave and learn. Some scientists like to study history or languages.

لنگویج‌ز آر هیستوری سِتادی تو لایک ساین تیستس سام لِرُن آند بی هیو ذی هاو آند پی پل سِتادی آدِرز بعضی دیگر انسان‌ها و چگونگی رفتار آنها و یادگیری‌شان را مطالعه می‌کنند. بعضی از دانشمندان دوست دارند تاریخ یا زبان‌ها را مطالعه کنند.

Others are interested in making new things. They want to make people's lives easier.

ئی زی آر لایوز پی پلز میک تووانت ذی تینگز نیو میکینگ این اینترستِد آر آدِرز گروهی دیگر علاقه‌مند به ساخت چیزهای جدید هستند. آنها می‌خواهند زندگی مردم را آسان‌تر کنند.

Some scientists become very famous and rich.

ریچ آند فی مِس وری بی کام ساین تیستس سام بعضی از دانشمندان خیلی مشهور و ثروتمند می‌شوند.

Many people around the world may remember their names and faces. But this is not what they call 'success'.

سِکسِس کال ذی وات نات ایز دیس بات فیس‌ز آند نیمز ذِر ری مِمبر می وُرلد ذِ اراوند پی پل منی بسیاری از مردم در سراسر جهان ممکن است نام‌ها و چهره‌هایشان را به یاد داشته باشند. اما این چیزی نیست که آنها آن را «موفقیت» بنامند.

They feel successful when they solve problems and find answers to their questions.

کواس چنز ذِر تو آنسیرز فایند آند پرابلمز سالو ذی ون سِکسِس فول فیل ذی آنها موقعی که مشکلات را حل می‌کنند و پاسخ سوال‌هایشان را می‌یابند احساس موفقیت می‌کنند.

A. True or False

الف) درست و نادرست

1) Only scientists like to study the world.

T F

فقط دانشمندان دوست دارند دنیا را مطالعه کنند.

2) There are different types of scientists.

T F

انواع دانشمندان مختلفی وجود دارند.

3) Scientists think 'success' means becoming rich.

T F

دانشمندان فکر می‌کنند «موفقیت» یعنی ثروتمند شدن.

B. Answer the following questions.

ب) به سؤالات زیر پاسخ دهید.

1) How do scientists learn about the world?

They learn about the world by observing and experimenting.

دانشمندان چگونه در مورد جهان آگاه می‌شوند؟ آنها از طریق مشاهده و آزمایش از جهان آگاهی کسب می‌کنند.

2) What does an inventor do?

He makes new things.

مخترع چکار می‌کند؟ او چیزهای جدید بوجود می‌آورد.

3) Do you like to do research about the world?

Yes, I like to research about the world.

آیا شما دوست دارید در مورد جهان تحقیق انجام دهید؟ بله. من دوست دارم در مورد دنیا تحقیق انجام دهم.

Part II | Grammar

A. Unscramble the following sentences.

الف) جملات زیر را مرتب کنید.

1. doing research / a new medicine / when / was / she / Shirin / found / .

When Shirin was doing research, she found a new medicine.

وقتی شیرین در حال انجام تحقیق بود، داروی جدیدی پیدا کرد.

2. the injured animal / they / trying hard / were / to save / .

They were trying hard to save the injured animal.

آنها سخت تلاش می‌کردند تا آن حیوان آسیب دیده را نجات دهند.

3. English / as a translator / worked / when / he / studying / Hassan / was / at university / .

Hassan worked as a translator when he was studying at university.

حسن به عنوان مترجم کار می‌کرد وقتی که داشت در دانشگاه درس می‌خواند.

4. called him / Reza / studying / Arabic book / when / his / was / his mother / ?

Was Reza studying his Arabic book when his mother called him?

آیا وقتی مادر رضا به او زنگ زد، او در حال خواندن کتاب عربی‌اش بود؟

B. Look at this photo. My uncle took it yesterday at 8 o'clock. Then complete the sentences.

(ب) به این تصویر نگاه کنید. عموی من دیشب ساعت ۸ آن را گرفت. سپس جملات را کامل کنید.



1. My father was reading a newspaper.

پدرم در حال خواندن روزنامه بود.

2. My mother was reading a book.

مادرم در حال خواندن کتاب بود.

3. My sister was studying.

خواهرم در حال درس خواندن بود.

4. My brother was working with his laptop.

برادرم در حال کار کردن با لپ‌تاپش بود.

5. My grandfather was listening to the radio.

پدر بزرگم در حال گوش دادن به رادیو بود.

C. Write what you were doing at the given times.

(پ) بنویسید در زمان‌های داده شده در حال انجام چه کاری بودید.

1. Yesterday afternoon, I was watching TV.

دیروز بعد از ظهر، من در حال تماشا کردن تلویزیون بودم.

2. Last week this moment, I was playing football.

هفته گذشته در این لحظه، من در داشتم فوتبال بازی می‌کردم.

3. This morning at 5, I was sleeping.

امروز صبح ساعت ۵، من خوابیده بودم.

4. When my mother was cooking dinner last night, I was talking to my sister.

وقتی شب گذشته مادرم در حال پختن شام بود، من در حال صحبت کردن با خواهرم بودم.

D. Read the following text. Complete it with appropriate 'self-pronouns'.

(پ) متن زیر را بخوانید. آن را با ضمیرهای self مناسب کامل کنید.

Yesterday I was all alone. I was cleaning the house. As no one was helping me, I was doing everything **myself**. It was very difficult. I remember how my mother cleaned the house **herself**. I remember how my mother cleaned the house **yourself** when we didn't help her. I felt so sorry and ashamed. I was still working when my mother came in. I was cleaning the kitchen. She asked: "Babak, did you do that **yourself**?" I answered: "Yes, mom, **myself**. I did it for you." She said, "Thank you, dear. But now wait, don't do that **yourself**. Let's do everything together."

من کل دیروز را تنها بودم. من در حال تمیز کردن خانه بودم. از آنجایی که هیچ‌کس به من کمک نمی‌کرد، من همه چیز را خودم انجام می‌دادم. آن

خیلی سخت بود. من به خاطر می‌آورم که مادرم چطور خودش خانه را تمیز می‌کرد وقتی که ما او را کمک نمی‌کردیم. من خیلی ناراحت و شرمنده شدم. من هنوز در حال کار کردن بودم که مادرم وارد شد. من در حال تمیز کردن آشپزخانه بودم. او پرسید: «بابک خودت این کار را انجام دادی؟» من پاسخ دادم: «بله، خودم.» من آن را برای شما انجام دادم. او گفت: «متشکرم، عزیزم.» اما حالا صبر کن، این کار را خودت انجام نده. بیا همه چیز را با هم انجام دهیم.

1. Did Babak's brothers clean the house themselves?

آیا برادران بابک خودشان خانه را تمیز کردند؟

No, they didn't. / Babak cleaned the house himself.

2. Was Babak cleaning the room when his mother came in?

آیا وقتی مادر بابک وارد شد، او در حال تمیز کردن اتاق بود؟

No, he was cleaning the kitchen.

3. Will his mother clean the kitchen herself?

آیا مادرش خودش آشپزخانه را تمیز خواهد کرد؟

No, they will clean the kitchen together.

Part III | Vocabulary

A. Read the descriptions and find the word.

(الف) توضیحات را بخوانید و کلمه مورد نظر را پیدا کنید.

1. a person who does research and finds facts

شخصی که تحقیق انجام می‌دهد و حقایق را پیدا می‌کند.

2. to stop doing something

متوقف کردن انجام کاری.

3. something that you believe

چیزی که آن را باور دارید.

4. to grow or change into a stronger, larger or better form

رشد کردن یا تغییر یافتن به یک شکل قوی‌تر، بزرگ‌تر یا بهتر.

5. to find an answer to a problem

پیدا کردن پاسخ برای یک مسئله.

inventor

scientist

quit

develop

experiment

belief

famous

solve

مخترع

دانشمند

انصراف دادن

توسعه یافتن

آزمایش

باور

مشهور

حل کردن

B. One odd out.

(ب) کلمه ناهماهنگ را مشخص کنید.

1. a. find

b. solve

c. invent

d. attend

(د) حضور داشتن

(ج) اختراع کردن

(ب) حل کردن

(الف) پیدا کردن

2. a. grow up

b. develop

c. destroy

d. increase

(د) افزایش یافتن

(ج) نابود کردن

(ب) توسعه یافتن

(الف) رشد کردن

3. a. inventor

b. researcher

c. farmer

d. thinker

(د) متفکر

(ج) کشاورز

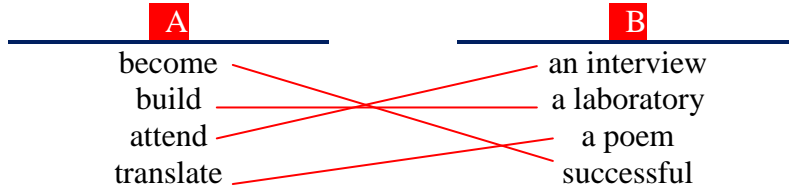
(ب) محقق

(الف) مخترع

4. a. observatory b. library c. laboratory **d. memory**
 الف) رصد خانه ب) کتابخانه ج) آزمایشگاه د) حافظه
5. a. powerful b. weak **c. strong** d. energetic
 الف) قوی ب) ضعیف ج) قوی د) پر انرژی

C. Match columns A and B.

پ) ستون A و B را با هم جور کنید.



- 1- become successful موفق شدن 3- attend an interview در مصاحبه حاضر شدن
- 2- build a laboratory ساختن آزمایشگاه 4- translate a poem ترجمه کردن شعر

D. Put these famous people in four groups.

ت) این افراد معروف را در چهار گروه قرار دهید.

Wright Brothers	Parvin Etesami	Mohammad Ghazi	Victor Hugo
Shahriyar	Mahmood Hakimi	Tahereh Saffarzadeh	Alexander Graham Bell
Poet شاعر	Inventor مخترع	Translator مترجم	Writer نویسنده
Parvin Etesami Shahriyar	Alexander Graham Bell Wright Brothers	Mohammad Ghazi Tahereh Saffarzadeh	Victor Hugo Mahmood Hakimi

E. Fill in the blanks with the given words.

ز) جاهای خالی را با کلمات داده شده کامل کنید.

believe , grow up , inventions , bulb , successful
 باور داشتن رشد کردن اختراعات لامپ موفق

1. The airplane is one of the greatest **inventions** of human. هواپیما یکی از بزرگ‌ترین اختراعات بشر است.
2. Some scientists are very **successful** in their lives. بعضی از دانشمندان در زندگیشان بسیار موفق هستند.
3. When children **grow up** their personality changes. وقتی بچه‌ها رشد می‌کنند شخصیت‌شان تغییر می‌کند.
4. Do you **believe** what she was saying about Mars? آیا تو آنچه که او داشت در مورد مریخ می‌گفت باور داری؟
5. He changed the **bulb** to have more light in the room. او لامپ را عوض کرد تا نور بیشتری در اتاق داشته باشد.

F. Use appropriate nouns with the following verbs.

(و) با فعل‌های زیر اسم‌های مناسب به کار ببرید.

- | | |
|-----------------------------|--------------------|
| 1. do research | انجام دادن تحقیق |
| 2. give up smoking | ترک کردن سیگار |
| 3. solve problems | حل کردن مشکلات |
| 4. translate a book | ترجمه کردن کتاب |
| 5. change a sentence | تغییر دادن یک جمله |

Part IV | Pronunciation

Say the sentences with emphatic stress over the appropriate element

جملات را با تکیه مؤکد بر روی بخش مناسب بخوانید. (با فشار بر روی کلمات مشخص شده خوانده شود)

- | | |
|--|--|
| 1. I was reading Arabic. (Not Amir) | من مشغول خواندن عربی بودم. (نه امیر) |
| 2. I was reading Arabic. (Not writing Arabic) | من مشغول خواندن عربی بودم. (نه نوشتن عربی) |
| 3. I was reading Arabic . (Not English) | من مشغول خواندن عربی بودم. (نه انگلیسی) |

Part V | Writing

A. Complete the spelling of words.

الف) املای این کلمه‌ها را کامل کنید.

- | | |
|-----------------|--------------|
| r e m e m b e r | به یاد داشتن |
| a t t e n d | حضور یافتن |
| b u i l d | ساختن |
| i n v e n t | اختراع کردن |
| c r e a t e | خلق کردن |
| b e l i e v e | باور داشتن |

B. Complete the word family chart.

ب) جدول کلمات هم‌خانواده را کامل کنید.

Verb فعل	Noun اسم
invent اختراع کردن	inventor مخترع
build ساختن	building ساختمان
believe باور داشتن	belief باور
know دانستن	Knowledge دانش
translate ترجمه کردن	translation ترجمه
think فکر کردن	thinker متفکر

C. Read the text. Find nouns, adjectives and verbs. Write them in appropriate columns.

(پ) این متن را بخوانید. اسم‌ها، صفت‌ها و فعل‌ها را پیدا کنید. آنها را در ستون مناسب بنویسید.

Yesterday, it was snowing heavily. Maryam was playing inside. She really wanted to go out to play. But she stayed in because it was very cold outside. She was thinking about what to do to have fun inside the house. She went into her room. She was looking at her things when her friend Mina called. She lives next door. Mina was coming to Maryam's house with her mother. She was bringing some interesting books and games. They were reading and playing all evening. They really had a good time.

دیروز برف سنگینی در حال باریدن بود. مریم در حال بازی کردن در داخل (خانه) بود. او واقعاً می‌خواست برای بازی کردن به بیرون برود. اما او داخل ماند زیرا بیرون خیلی سرد بود. او در مورد این فکر می‌کرد که چه کار کند تا در داخل خانه تفریح کند. او به اتاقش رفت. او در حال نگاه انداختن به وسایلی بود که دوستش مینا زنگ زد. او در خانه کناری زندگی می‌کند. مینا داشت با مادرش به خانه مریم می‌آمد. او داشت چند کتاب و بازی جالب می‌آورد. تمام غروب آنها در حال خواندن و بازی کردن بودند. آنها واقعاً اوقاتی خوش داشتند.

Noun اسم		Verb فعل		Adjective صفت	
Maryam	مریم	snow	برف باریدن	cold	سرد
fun	تفریح	play	بازی کردن	interesting	جالب
house	خانه	go	رفتن	good	خوب
room	اتاق	stay	ماندن		
thing	چیز	want	رفتن		
friend	دوست	was	بودن		
Mina	مینا	think	فکر کردن		
mother	مادر	do	انجام دادن		
book	کتاب	have	داشتن		
game	بازی	look	نگاه کردن		
time	وقت	come	آمدن		
		bring	آوردن		
		read	خواندن		
		bring	آوردن		
		had	داشتن		



جزوه های بیشتر (کلیک کنید) :

گام به گام رایگان دهم | | نمونه سوال دهم | | جزوه آموزشی دهم |

جهت دانلود جدید ترین مطالب بر روی پایه خود روی لینک های زیر کلیک کنید.



ابتدایی

اول ✓ دوم ✓ سوم ✓ چهارم ✓ پنجم ✓ ششم ✓

متوسطه اول

هفتم ✓ هشتم ✓ نهم ✓

متوسطه دوم

دهم ✓ یازدهم ✓ دوازدهم ✓